

ثقة الاسلام شهيد و مشروطيت

رحيم نيکبخت

درآمد

انقلاب مشروطيت از حوادث سرنوشت ساز تاريخ معاصر ايران است که علی رغم گذشت چیزی نزدیک به یک قرن از وقوع آن، بسیاری از ابعادش ناگفته و بدون پژوهش باقی مانده؛ از آن جمله نقش شخصیت‌ها و گروه‌های دخیل در این حادثه مهم است. از جمله موضوع بررسی نشده انقلاب مشروطيت آذربایجان، نقش علما و بررسی عملکرد ایشان در مقابل مشروطه‌خواهی است؛ چه بررسی مواضع تک‌تک علمای صاحب نام و چه نقش نهاد مرجعیت دینی و روحانی. طی پژوهش‌هایی که صورت گرفته، مباحث اولیه‌ای هستند که بیش‌تر به طرح مسأله موضوع مورد بحث مربوط می‌شود. از موضوعات جالب توجه که متأسفانه مورد غفلت قرار گرفته، نقش آیت الله میرزا علی آقا ثقة الاسلام (ولادت ۱۲۷۷ق. تبریز - شهادت روز عاشورا ۱۳۳۰ق تبریز) در مشروطيت آذربایجان است؛ گرچه مرحوم نصرت‌الله فتحي آتشیباک، با تدوین دو اثر، اطلاعاتی ذی‌قیمتی ارائه داده است.^۱

با توجه به نقش و موقعیت ثقة الاسلام، ضرورت انجام پژوهش‌های بیشتر و احساس می‌شود. آنچه در این سطور ارائه می‌گردد، فقط به منظور طرح موضوع نگاشته شده تا پژوهش‌گران تاریخ معاصر ایران به بررسی بیشتر از منظری جدید

۱. نصرت‌الله فتحي، زندگینامه شهيد نيکبخت ثقة الاسلام تبریزی، و نصرت‌الله فتحي، مجموعه آثار علمی ثقة الاسلام تبریزی.

بپردازند. امید است مراکز دانشگاهی و حوزوی با امعان نظر به این موضوعات، امکان تبیین مسائل تاریخی را با شیوه علمی فراهم کند.

علما که یکی از اقشار مهم جامعه ایرانی عصر قاجار بودند در تحولات سیاسی و اجتماعی نقش مهمی داشتند که در هر مقطع از تاریخ مشروطه قابل بحث و بررسی است. پر واضح است که بررسی نقش آنان در عصر مشروطه، مستلزم آن است که به پیشینه روابط میان نهاد مرجعیت و روحانیان شیعه و سلطنت نظر شود که در این مجال امکان پرداختن به آن نیست.^۱

ثقة الاسلام و مشروطیت

در مقطع اولیه جنبش که خواست عمومی جامعه صرفاً جنبه عدالت‌خواهی و عدالت‌جویی داشت، ثقة الاسلام تبریزی در کنار بزرگانی چون سید ابوالحسن انگجی، میرزا حسن آقا مجتهد تبریزی، میرزا صادق آقا مجتهد تبریزی حضور هماهنگ و مؤثری داشت. علی‌رغم این‌که وی از طریق نیاکان خود شیخی مسلک بود و با علمای دیگر آذربایجان به این لحاظ اختلاف مسلک داشت، هیچ‌گونه در این موضع متعصب نبود و مصالح و منافع امت اسلامی را در نظر می‌گرفت.^۲ موقعی هم که مظفرالدین شاه در تبریز ولیعهد بود از نزدیک با علمای شهر تبریز، از جمله وی آشنا بود. در جریان عدالت‌خواهی وقتی علمای تهران به قم مهاجرت کردند، نامه‌ای از سوی علمای آذربایجان به مظفرالدین شاه ارسال شد که وی در جواب ایشان به محمد علی میرزا نوشت:

ولیعهد به جنابان مستطابان حاجی میرزا آقا مجتهد، آقای امام جمعه، آقای حاج میرزا محسن آقا، آقا میرزا صادق آقا مجتهد و آقای ثقة الاسلام، الطاف ما را برسانید... به همه الثنات داریم و می‌است که به شفاعت و توسط شما استدعای علمای آذربایجان را در معاودت دادن علمای تهران قبول فرموده، مشیرالدوله، وزیر امور خارجه را برای معاودت دادن آن‌ها روانه کردیم...^۳

۱. ر.ک: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، زندگی و مبارزات شهید آیت‌الله قاضی طباطبائی، ص ۲۸۴۰.

۲. خوشبختانه در مورد مبانی اندیشه سیاسی اجتماعی ثقة الاسلام تبریزی، تحقیقات ارزشمندی صورت گرفته است. (ر.ک: عبدالرسول یعقوبی، «مبانی و اندیشه سیاسی - اجتماعی ثقة الاسلام تبریزی در مکتوبات سیاسی با تأکید بر رساله لا لآن، آموزه، کتاب سوم، ص ۳۸۵، ۳۵۵).

۳. محمد ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ص ۲۹۷.

این جواب و قبول شفاعت مظفرالدین شاه در بازگرداندن علمای مهاجرت کبرا، از آشنایی اشاره شده و اهمیت و موقعیت علمای آذربایجان حکایت می‌کند.

هر چه حرکت عدالت‌خواهی علما و مردم به پیش می‌رفت، صف‌بندی‌ها و اختلاف نظرهای اساسی بین نیروهای حاضر در صحنه بیش‌تر می‌شد و این تفکیک نیروها پیش از آن که در تهران بروز کند، در تبریز و آذربایجان به منصفه ظهور رسید. البته قرائن و شواهدی هم دیده می‌شود که اختلافات بعدی بدون زمینه نبود؛ چنان‌که در تاریخ گشایش مجلس اول دیده می‌شود. پس از صدور فرمان مشروطیت (۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ق) برخی خواهان گشایش مجلس در غیر از روز نیمه شعبان بودند که این روز تحت الشعاع مراسم جشن ولادت امام زمان علیه السلام قرار نگیرد.^۱

اختلافات مشروطه‌خواهان و علمای مشروطه خواه آذربایجان هم چون ثقة‌الاسلام، ریشه‌ای اساسی داشت؛ زیرا این حرکت در نظر علما و مردم، اسلامی و مذهبی بود و بر اساس اندیشه عدالت‌خواهی دینی شکل گرفته بود؛ در حالی که از نظر مشروطه‌خواهان که تحت تأثیر اندیشه‌های سوسیال دموکراسی قفقازیه و روسیه بودند، مشروطیت با مذهب و به تبع آن متولیان مذهب تباین ذاتی داشت. از خلال نامه‌های برجای مانده از ثقة‌الاسلام به نمونه‌های متعددی از این اختلاف اصولی می‌توان اشاره کرد؛ از آن جمله در نامه‌ای که به تاریخ ۱۳ رمضان ۱۳۲۴ به برادرش نوشته، عنوان می‌کند:

روز ۱۲ رمضان اعلان منحوسی از انجمن^۲ به دیوار چسبانده‌اند. حاصل این‌که تاکی در مذاهب قدیمه خواهید بود و حرف‌های کهنه خواهید شنید و تاکی به مجلس و مسجد علما خواهید رفت...^۳

سنت‌ستیزی مشروطه‌خواهان به این مورد ختم نمی‌شده. وی در جای دیگر می‌نویسد:

آقایان [مشروطه‌خواه] اختراعی کرده گفتند روز قریان مردم قریانی نکنند، پول آن را به فقرا بدهند و در اولش مدایح نخوانند و در وصف انجمن بخوانند، اسباب‌های و هوی شد.

وی با تیزی و هشیاری نتیجه عملکرد آنان را چنین پیش‌بینی می‌کند:

... که هر دو در حقیقت اقدام و مقدمه بر ترک شریعت است.^۴

۱. اسماعیل رضوانی، انقلاب مشروطیت ایران، ص ۱۲۷.

۲. انجمن ایالتی آذربایجان: کانون تجمع مشروطه‌خواهان تبریز.

۳. نصرت‌الله فتحی، زندگینامه شهید نیکام ثقة‌الاسلام تبریزی، ص ۱۱۵-۱۱۶.

۴. نصرت‌الله فتحی، مجموعه آثار قلمی شادروان ثقة‌الاسلام تبریزی، ص ۱۸۷.

با توجه به این مسأله که آذربایجان و بویژه تبریز دروازه ورود اندیشه سوسیال دمکراسی به ایران بود، به اصطلاح روشن‌فکرانی که داعیه مشروطه‌خواهی داشتند، با شدت هر چه تمام در زیر پا گذاشتن موازین شرعی و عرفی از همدیگر سبقت می‌جستند. این تندروی‌ها قسمتی به ناپختگی این مدعیان مربوط می‌باشد و قسمتی به اساس این تفکر باز می‌گشت. این اظهار نظر ثقة‌الاسلام، از این مسائل نشأت گرفته است که:

حقیقتاً کاری که آقایان پیش گرفته‌اند، بسیار بد است و کارهای خلاف شرع خیلی اتفاق می‌افتد، اگر چه راجع به مشروطیت نیست؛ ولی مردم منزجر هستند و جای ایراد و نکته‌گیری است.^۱

ثقة‌الاسلام تبریزی ضمن آن‌که از قضایا تصور روشن داشت، تمام حرکات مشروطه‌خواهان را مد نظر قرار داده و به دقت نظاره‌گر قضایا بود. آن‌گونه که از آثار وی بر می‌آید، از حرکات و اقدامات مشروطه‌خواهان کتابی هم تدوین کرده. شاهد مدعا، این عبارت است که می‌گوید:

... خدا نیامرزد قاتلین مشروطه را که از روز اول تیغ کین کشیدند و این بیچاره را کشتند، بنده خیانت‌های مشروطه‌طلبان را کتابچه کرده و نوشته‌ام. اگر وقتی حوصله بشود که چاپ شود، خالی از فایده نیست؛ اما فایده‌اش چیست؟!^۲

یکی از مصادیق اختلاف اساسی علمای مشروعه‌خواه و روشن‌فکران مشروطه‌خواه که ثقة‌الاسلام تصریح روشنی به آن دارد، تدوین قانون اساسی است. مشروطه‌خواهان به محوریت سید حسن تقی‌زاده و صحنه‌گردانی انجمن ایالتی آذربایجان وقتی موفق شدند حاج میرزا حسن آقا مجتهد تبریزی را از شهر با تحریک عوام‌الناس تبعید کنند، در جواب تلگراف نمایندگان مجلس شورای ملی که خواهان بازگرداندن مجتهد به تبریز شدند، بر تهیه و تدوین قانون اساسی پافشاری کردند؛ بدون آن‌که به درخواست نمایندگان مجلس جهت بازگرداندن مجتهد اقدام کنند.^۳ علمای آذربایجان در این مقطع نه تنها تدوین قانون اساسی را ضروری نمی‌دانستند، بلکه خواهان اجرای قانون الهی بودند که متروک مانده بود.

۱. همان، ص ۲۰۷-۲۰۶.

۲. ایرج افشار، نامه‌های تبریز از ثقة‌الاسلام به مشاگردوله، ص ۳۴۳.

۳. منصوره رفیعی، انجمن (ارگان انجمن ایالتی آذربایجان)، ص ۴۹.

ميان آنچه علمای ايران و در رأس آنان آيت الله نائيني (تولد ۱۲۶۷ق - وفات ۱۳۵۵ق) از کارکرد قانون اساسی قصد می کردند با آنچه در یک نظام مشروطه غربی محقق است، تفاوت بنيادين وجود داشت. در نظر وی قانون اساسی به رساله ای می ماند که در چار چوب احکام شریعت، قانون مربوط به اداره دین مدارانه جامعه را در بر می گیرد. چنین چیزی - همان طور که خود او اشاره می کند - به یک رساله عملیه بیش تر شبیه است تا قانون اساسی نظام مشروطه به سبک غربی.^۱

استدلال علمای آذربایجان در مقابل این اقدام، در آثار ثققة الاسلام چنین انعکاس یافته است:

... این است حال شریعت اسلامیه که ما مسلمانان آن را قانون الهی می دانیم و کتاب آسمانی می دانیم و غالب احکام سیاسیه و معاملات آن با قوانین خارجه مطابق و عقل نیز، صحت آن را درک می کند. پس چگونه خواهد بود حال قانونی که به اتفاق جمعی آن را جمع کرده اند و بالبداهه آن چه موافق صرفه است مقبول بود. مابقی مبتدل خواهند ماند و شاید روزی برسد که فقط اسمی از آن بماند و همان استبداد هزار ساله در شکل اولیه خود ادامه یابد.^۲

ثققة الاسلام تبریزی فرجام مشروطه خواهی را تداوم استبداد هزار ساله پیش بینی می کند که رضاخان میرپنج آن را به عینیت رسانید.

از فرازهای دیگر زندگی ثققة الاسلام در مشروطیت آذربایجان، ارتباط با عالم متشرع، حاج میرزا حسن مجتهد است. حاج میرزا حسن و خاندان او در تاریخ آذربایجان، جایگاه مهمی داشته اند. اخراج او از تبریز که به دست مشروطه خواهان انجام پذیرفت، علما را به رویگردانی کامل از جریان مشروطه وا داشت، بویژه آنکه برای بیرون راندن مجتهد از صحنه مسائل تبریز نقشه و دسیسه ای هم طرح کرده بودند، و این دسیسه از دید ثققة الاسلام مخفی نمانده است.

بر همین اساس ثققة الاسلام هم بعد از حاج میرزا حسن مجتهد، از تبریز بیرون رفت و پس از مدتی با اصرار دیگران به تبریز بازگشت.^۳

۱. جلال توکلیان، اندیشه سیاسی شیخ فضل الله نوری، مجله کیهان، ش ۲۷، ص ۲۶.

۲. نصرت الله فنحی، مجموعه آثار قلمی شادروان نقد الاسلام تبریزی، ص ۴۰۵.

۳. نصرت الله فنحی، زندگینامه شهید نیکام، ص ۲۱۰-۲۱۶؛ مقایسه کنید با منصوره رفیعی، انجمن (ارگان انجمن

ایالتی آذربایجان)، ص ۴۶-۵۱.

آغاز جنبش، جریانی عدالت‌خواهی بود؛ اما رفته رفته جریان مشروطه‌خواه که از سوسیال‌دمکراسی متأثر بود، صحنه را از علما گرفت. آنان در مقابل این پدیده سه خط مشی اتخاذ کردند: گروهی چون آیت‌الله انگجی، آیت‌الله میرزا صادق آقا و برخی دیگر، از دخالت در قضایای بی‌طرفی اختیار کرده از مداخله در امور اجتناب کردند. گروهی دیگر چون میرزا حسن مجتهد و میرهاشم دوه‌چی، انجمن اسلامی را تشکیل دادند و به مقابله مسلحانه پرداختند. انجمن اسلامی به لحاظ اندیشه تشکیل‌دهندگان آن، جمعی یک دست نبود؛ با این حال اقدامات تندروانه اعضای انجمن ایالتی، در تشکیل این انجمن ضد مشروطه موثر بود. میرهاشم دوه‌چی که خود در آغاز از پیش‌گامان آزادی‌خواهی بود، قبل از تأسیس انجمن اسلامی مورد سوء قصد مشروطه‌خواهان دو آتشه قرار گرفت و مجروح شد. پس از این سوء قصد بود که وی در دشمنی با مشروطه و مشروطه‌خواهان مصمم‌تر شد.^۱

ترور مخالفان یکی از راه‌های مبارزه‌ای بود که دمکرات‌ها در تبریز باب کردند و بعداً در تهران هم شایع شد. شیوه حذف فیزیکی مخالفان، از جریان سوسیال‌دمکراسی روسی‌الگو می‌گرفت. انتشار شب‌نامه‌ها، روزنامه‌ها و توهین‌نامه علیه علما، یکی دیگر از اقدامات آن‌ها بود، که نمونه‌های زیادی دارد و موجود است.

در بین این دو گروه (علمای بی‌طرف و اعضای انجمن اسلامی) ثقة‌الاسلام تبریزی شخصیت منحصر به فردی بود که می‌کوشید مواضع تند و افراطی موافقان و مخالفان مشروطه را تعدیل کند. وی مصالح و منافع ایران و آذربایجان را مد نظر داشت. مشروطه‌خواهان تحمل چنین شخصیتی را هم نداشتند و علی‌رغم این‌که او هم از مداخله در امور جاری اجتناب می‌کرد، بر آن شدند وی را به قتل برسانند. مأمور ترور، یکی از فدائیان مشروطه خواه به نام رجب‌خان سرابی^۲ بود که جریان را قبل از انجام به ثقة‌الاسلام بازگفت و توطئه خنثا شد.

علی‌رغم تمام اقداماتی که از جانب تندروهای مشروطه‌خواه صورت می‌گرفت،

۱. میرزا اسدالله ضمیری (ملازم ثقة‌الاسلام تبریزی)، یادداشت‌های میرزا اسدالله، ص ۳۵.

۲. یکی از کسانی که در ترور آیت‌الله بهبهانی دست داشت که در حوادث تبریز، به همان طریق که گلوله بر دهان بهبهانی زده بود، تبروس‌ها به دهانش خورده و کشته شد (احمد کسروی، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، ص ۲۶۴).

وقتی دخالت قوای اشغال‌گر روسیه در ایران مطرح شد، وی و جمعی از رجال شهر برای جلوگیری از ورود نیروهای روسی اقدامات متعددی انجام دادند که متأسفانه به نتیجه نرسید و در تاریخ ۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ نیروهای روس از سرحدات وارد ایران شدند.^۱ این ورود، سرآغاز روزهای تیره و تاریک برای مردم آذربایجان بود.

تندروی‌های جاهلانه در تاریخ مشروطیت ایران، همان کارکردی را داشت که عوامل استبداد داخلی و استعمار خارجی در آذربایجان داشتند. مشروطه‌خواهان دو آتش از مهلکه گریختند و در پناه سفارت‌خانه‌های خارجی جان به سلامت بردند و نصیب آزادی‌خواهان مسلمان، چون ثقة‌الاسلام، چوبه‌دار بود و سربداری محرم سال ۱۳۳۰.

در سوگ ثقة‌الاسلام

مرحوم نصرت‌الله فتحی در کتاب «زندگی‌نامه شهید نیکام» مطلبی را نقل می‌کند که مرور آن خالی از لطف نیست. موضوع از این قرار است که پس از شهادت ثقة‌الاسلام تبریزی در روز عاشورا، مردم تبریز به طرق مختلف از روس‌ها تقاضای برگزاری مراسم سوگواری کردند. روس‌ها برای ارزیابی میزان نفوذ معنوی ثقة‌الاسلام اجازه برگزاری مراسم را دادند و به اطلاع مردم رسید. دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی به راه افتاد و قضیه جنبه تظاهرات مذهبی به خود گرفت. احساسات مردم به شدت تحریک شد و لحظه به لحظه بر ازدحام مردم افزوده می‌شد. ناله‌ها و ضجه‌ها به فریاد تبدیل شد. روس‌ها بلافاصله پس از احساس خطر، دسته‌های مسلح سالدات را برای کنترل دستجات عزادار اعزام کردند.

در این تیزه‌داری، شرکت مرحوم صافی،^۲ شاعر معروف و نوحه‌سرای مشهور تبریز، قابل توجه بود که شخصاً به راه افتاده و نوحه‌ای را که ساخته بود، می‌خواند. این نوحه که گویای خدمات و فداکاری‌های شهید در جریان شهادت او بود و ترجیع‌بند مخصوص داشت، چنان شوری به پای ساخته بود که گویا روز عاشورا است. مرحوم

۱. منصوره رفیعی، انجمن (ارگان انجمن ایالتی آذربایجان)، ص ۷۸.

۲. از مفاخر ادبیات مرثیه آذربایجان، متوفی به سال ۱۳۰۸ شمسی، (ر.ک: رحیم نیکبخت، «نو یافته‌هایی از صافی تبریزی مرثیه‌سرای نامی آذربایجان»، روزنامه مهد آزادی، ۸۲/۹/۲۲ و ۸۲/۹/۲۵، ص ۵.

صافی دسته را اداره می‌کرد و خود جلو افتاده و سینه می‌زد و نوحه‌ای را که ساخته بود، چنین می‌خواند.

ای وطن بذل الیین نقد جان	ملته دار اوسته وثرن امتحان ^۱
یاده سالاندا وطن آغلار سنه	صافی شیرین سخن آغلار سنه ^۲
چکدیلر دازه سنی منصور وار	ناپدی شرافت سنیله چوب دار ^۳
یاده سالاندا وطن آغلار سنه	صافی شیرین سخن آغلار سنه
خدمت اندیسن وطنه دینه سن	بیزدن الله ساری دینه سن ^۴
اولدی وطن کفرین الینده اسیر	سن بیلرسن ملتیز نه چکیر ^۵

بر اثر این نوایی از دل و جان برخاسته بود، مردم به قدری می‌گریستند و بر سر و سینه خود می‌کوفتند و ناله‌های جگر خراش سر می‌دادند که محیط یک پارچه غم و اندوه شده بود و عده‌ای از مردم - از جمله کسی که این حکایت را برای مرحوم فتحی بازگو کرده بیهوش شدند.^۶

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. ای کسی که نشد جاننت را بذل وطن کردی و بر روی دار امتحان دادی.
۲. وقتی وطن به یاد تو افتد خواهد گریست، صافی شیرین سخن هم بر تو گریان است.
۳. تو را چو منصور بر دار کردند و با تو چوب دار شرافت یافت.
۴. خدمات بسیاری به دین و وطن کرده‌ای، از جانب ما به محضر خداوند بگو.
۵. وطن در دست کفر و کفار (روس‌ها) اسیر شد تو می‌دانی ملتیمان چه می‌کشد.
۶. نصرت‌الد فتحی، زندگینامه شهید نیکام نقه‌الاسلام تبریزی، ص ۷۴۹.

کتاب‌نامه

۱. افشار، ایرج، نامه‌های تبریز از ثقة الاسلام به مستشارالدوله، تهران، فرزان، ۱۳۷۸ ش.
۲. توکلیان، جلال، «اندیشه سیاسی شیخ فضل الله نوری»، مجله کیان، ش ۲۷.
۳. رضوانی، اسماعیل، انقلاب مشروطیت ایران، ج ۳، تهران، کتابهای جیبی، ۱۳۵۶ ش.
۴. رفیعی، منصوره، انجمن (ارگان انجمن ایالتی آذربایجان) تهران، تاریخ ایران، ۱۳۶۲ ش.
۵. ضمیری، میرزا اسدالله، یادداشت‌های میرزا اسدالله، به کوشش دکتر سیروس برادران شکوهی، تبریز، ابن‌سینا، ۱۳۵۶ ش.
۶. فتحی، نصرت‌الله، زندگینامه شهید نیکام ثقة الاسلام تبریزی، تهران، بنیاد نیکوکاری نوریانی، ۱۳۵۳ ش.
۷. _____، مجموعه آثار قلمی ثقة الاسلام تبریزی، انتشارات انجمن آثار ملی، ۲۵۳۵ شاحشاهی.
۸. کسروی، احمد، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، ج ۹، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷ ش.
۹. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، زندگی و مبارزات شهید آیت الله قاضی طباطبائی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۱۰. ناظم الاسلام کرمانی، محمد، تاریخ بیداری ایرانیان، بخش اول، بد کوشش سعیدی سیرجانی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶ ش.
۱۱. نیکبخت، رحیم، «نویافته‌هایی از صافی تبریزی مرثیه‌سرای نامی آذربایجان»، روزنامه مهد آزادی، ۸۲/۹/۲۴ و ۸۲/۹/۲۵.
۱۲. یعقوبی، عبدالرسول، «مبانی اندیشه سیاسی - اجتماعی ثقة الاسلام تبریزی در مکتوبات سیاسی با تأکید بر رساله لا لان»، آموژه (کتاب سوم)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲ ش.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی